

ORIGINAL ARTICLE

Shahrokh Afshar's dual Policy of confrontation and interaction in the face of Ahmad Shah Durrani's military activities in Khorasan

Hoda Seyyed Hoseinzadeh

Assistant Professor at the Academy of Persian language and literature, Tehran, Iran.

Correspondence

Hoda Seyyed Hoseinzadeh

Email: hodahoseinzadeh@yahoo.com

ABSTRACT

Shahrokh Afshar's reign in Khorasan, Ahmad Shah Durrani marched to Khorasan three times. Meanwhile, Shahrokh, who was not able to face Ahmad Shah directly, tried to deal with this issue with a different strategy. He built a fortress in the city's fortification for a while, but eventually he was obliged to negotiate and Ahmad Shah controlled Mashhad by appointing a delegate. In the present article, which has been written using descriptive and analytical method, Ahmad Shah's description of his conflicts in Khorasan, until the end of Afshar's reign, his dual policies of confrontation and interaction in facing him have been investigated. The Afshar's army played a significant role in his knowledge of the elements of power and the structure of Afsharid reign and his military expedition to Khorasan, and despite his success, whenever the disgruntled Shahrokh had the opportunity, he disobeyed him and expressed his opposition. However, the Afsharid's reign was also fruitful, so that he finally agreed to obey Shahrokh and returned to his own capital. However, these wars caused the destruction of various cities and great damage to the people of Khorasan, which could not be compensated for a long time.

KEYWORDS

Shahrokh Afshar, Ahmad Shah Durrani, Khorasan, Mashhad.

How to cite

Seyyed Hoseinzadeh, H. (2023). Shahrokh Afshar's dual Policy of confrontation and interaction in the face of Ahmad Shah Durrani's military activities in Khorasan, Iran Local Histories, 11(2), 41-52.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

«مقاله پژوهشی»

سیاست دوگانه تقابل و تعامل شاهرخ افشار در مواجهه با فعالیت‌های نظامی احمدشاه درانی در خراسان

هدی سیدحسین‌زاده

چکیده

در دوره حکومت شاهرخ افشار در خراسان، احمدشاه درانی سه مرتبه به خراسان لشکر کشید. شاهرخ که توان رویارویی مستقیم نظامی با احمدشاه را در خود نمی‌دید، تلاش کرد با سیاستی متفاوت با این مسئله برخورد کند. او با پناه گرفتن در قلعه شهر برای مدتی مانع تصرف مشهد شد، اما سرانجام ناچار تن به مذاکره داد و احمدشاه با تعیین نماینده، برای مدتی مشهد را تحت کنترل خود درآورد. در مقاله حاضر که با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته، انگیزه احمدشاه برای تهاجم به خراسان و شرح درگیری‌های او در نقاط مختلف، به‌ویژه در مشهد؛ موضع‌گیری و سیاست‌های دوگانه تقابلی و تعاملی شاهرخ در مواجهه با او مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که سابقه خدمت احمدشاه در سپاه نادر در شناخت او از ارکان قدرت و ساختار حکومت افشاریان و اقدام به لشکرکشی به خراسان نقش به‌سزایی داشت و با وجود موفقیت او، شاهرخ ناراضی هر زمان فرصت می‌یافت سر از اطاعت برمی‌تافت و مخالفت خود را نشان می‌داد. در این میان ایستادگی حاکمان محلی خراسان در مقابل احمدشاه نیز مثر ثمر واقع شد تا جایی که او سرانجام به اطاعت ظاهری از شاهرخ رضایت داد و به پایتخت خود بازگشت. اما پیامد این جنگ‌ها ویرانی شهرهای مختلف و خسارات بسیار برای مردم خراسان بود که تا مدت‌های مدید قابل جبران نبود.

واژه‌های کلیدی

شاهرخ افشار، احمدشاه درانی، خراسان، مشهد.

استادیار، رشته تاریخ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

هدی سیدحسین‌زاده

رایانامه: hodahoseinzadeh@yahoo.com

استناد به این مقاله:

سید حسین‌زاده، هدی (۱۴۰۲). سیاست دوگانه تقابل و تعامل شاهرخ افشار در مواجهه با فعالیت‌های نظامی احمدشاه درانی در خراسان. فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۲)، ۴۱-۵۲.

مقدمه

پس از قتل نادرشاه در شب یکشنبه یازدهم جمادی‌الثانی سال ۱۱۶۰ق، برادرزاده او، علیقلی‌خان، با حمایت امرایی که در قتل پادشاه افشار نقش داشتند، چند روز بعد (۲۷ جمادی‌الثانی) با عنوان "عادل‌شاه" در مشهد جانشین وی شد (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۸۵). نارضایتی‌ها و شورش‌های پیاپی که در دوره کوتاه حکومت عادل‌شاه روی داد، سرانجام منجر به عزل او گشت و شاهرخ، نوه نادر، در ۸ شوال ۱۱۶۱ق، دوره حاکمیت نخست خود را به مدد سران ایلات و طوایف مهم‌گرد، ترکمن، بیات و دیگر امرای برجسته خراسان در مشهد آغاز کرد. اندکی بعد، ائتلاف‌های میان شاهرخ و برخی امرا، منجر به خلع او در ۲۰ محرم ۱۱۶۳ق شد و این بار سیدمحمد متولی، که از سوی مادر به شهریانو بیگم، دختر شاه سلیمان اول صفوی (حک: ۱۰۷۷-۱۱۰۵ق)، و از سوی پدرش نواب میرزا محمد داود، به میر قوام‌الدین مرعشی، مؤسس سلسله مرعشیان مازندران، نسب می‌برد (مرعشی، ۱۳۷۹: ۴۷، ۷۹-۸۰) با حمایت شمار بسیاری از خوانین ایلات خراسان از جمله چمشگزک، عرب، بیات، افشار، قاجار، جلایر، قلیچی و بغیری و گروهی از بزرگان این شهر در ۶ صفر ۱۱۶۳ق با عنوان «شاه سلیمان ثانی» بر تخت نشست (مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۰۹-۱۱۰). اوضاع همچنان ناآرام بود و ۴۰ روز بیشتر از حکومت شاه سلیمان ثانی (حک: ۱۱۶۳ق) نگذشته بود که جناح طرفداران شاهرخ او را از صحنه حذف کردند و بار دیگر شاهرخ در روز ۱۱ ربیع‌الثانی همان سال، زمام امور را در اختیار گرفت (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۵-۱۳۵؛ قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۵).

دوره حکومت شاهرخ بر خراسان از دوره‌های پرفراز و نشیب تاریخ ایران است. یکی از چالش‌های اصلی او مواجهه با احمدشاه درانی (حک: ۱۱۶۰-۱۱۸۶ق) بود. با قتل نادرشاه، احمدخان ابدالی که در زمره فرماندهان برجسته سپاه نادر بود، به سبب اختلاف و تنش که میان نیروهای نظامی قزلباش و محلی با افغان‌ها وجود داشت، همراه گروهی از اطرافیان نزدیک خود و سپاهیان افغان به قندهار گریخت و طی وقایع چند، از سوی بزرگان قبایل مهم افغان به پادشاهی برگزیده شد و از آن پس به احمدشاه درانی مشهور گشت. احمدشاه که تازه به قدرت رسیده بود، با توجه به روحیه و پیشینه نظامی درخشان خود، همواره رویای گسترش مرزهایش را

در سر می‌پروراند و به جز تهاجم به شبه‌قاره هند و به دست آوردن فتوحاتی در این سرزمین پهناور، بارها به نواحی تحت فرمان شاهرخ در خراسان نیز هجوم برد.

در واقع روابط میان افشارها و ابدالی‌ها از دوره نادرشاه آغاز و تا واپسین روزهای حیات سیاسی افشاریان در خراسان، یعنی قتل نادر میرزا به دستور فتحعلی‌شاه قاجار (حک: ۱۲۵۰-۱۲۱۱ق) در ۱۲۱۸ ق/ ۱۸۰۳م ادامه یافت. در فاصله این سال‌ها، روابط میان ابدالی‌ها و افشاریان فراز و نشیب‌های بسیار داشت که تأثیر پذیرفته از وقایع و جریان‌های سیاسی خراسان بود و در برهه‌هایی نیز فراتر از مناسبات سیاسی و نظامی پیش رفت و با ازدواج میان شاهدگان هر دو خانواده، نسبت فامیلی میان آنها برقرار شد.

نابسامانی اوضاع خراسان پس از نادر و کشاکش‌های دائمی میان مدعیان قدرت در مشهد و عدم وجود نیروی قدرتمندی که توان ایستادگی در مقابل هر تهاجمی را داشته باشد، از عوامل مهمی بودند که احمدشاه را برانگیختند تا طی سه لشکرکشی پی‌درپی، نواحی و شهرهایی از خراسان و به‌ویژه مشهد را درگیر جنگ و ویرانی کند.

درباره پیشینه تحقیق موضوع فوق که در تاریخ سیاسی خراسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تاکنون پژوهشی مستقل انجام نشده است. پیش از این دو مقاله درباره احمدشاه با عناوین "تأسیس و گسترش فرمانروایی احمدخان سدوزایی" و "واکاوی عملکرد سیاسی- نظامی احمدشاه درانی و پیامدهای آن" به چاپ رسیده است که با توجه به عناوین هر دو، مشخص است که هدف و تمرکز اصلی مؤلفان پرداختن به فعالیت‌های سیاسی و نظامی احمدشاه درانی در جبهه‌های مختلف بوده و به لشکرکشی‌های او به خراسان و مشهد و برخوردهایش با شاهرخ نیز که البته در مقاله نخست به نسبت بیشتر بررسی شده، در کنار دیگر اقداماتش اشاره شده است. در حالی که در پژوهش حاضر، موضوع و هدف اصلی، سیاست و موضع دوگانه شاهرخ افشار، در قبال تهاجمات احمدشاه به شهرهای خراسان و به‌ویژه مشهد است، ضمن اینکه به عملکرد احمدشاه و رویارویی او با حکام محلی نیز توجهی ویژه شده است. پرسش اصلی این است که چه عواملی سبب توجه احمدشاه و لشکرکشی‌های او به خراسان، و نحوه انجام آن شد و عملکرد و موضع شاهرخ در مقابله یا تعامل با احمدشاه چگونه بود؟ در پرسش فرعی این سؤال مطرح می‌شود که فعالیت‌های نظامی گسترده و

نظامی احمدشاه درانی و پیامدهای آن"، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۳۱-۱۵۶.

۱. این مقالات به ترتیب سال انتشار عبارتند از: زرگری‌نژاد، غلامحسین، "تأسیس و گسترش فرمانروایی احمدخان سدوزایی"، شناخت، دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۳۴، صص ۵۷-۸۴؛ موسوی دالینی، جواد، "واکاوی عملکرد سیاسی-

۱۱۶۳-۱۱۹۳ق) در فارس بود که کنترل بر آن، به نوعی محافظت از مرزهای احمدشاه نیز محسوب می‌شد.

در حالی که احمدشاه به سرعت بنیة نظامی خود را تقویت می‌کرد، کشاکش‌های بی‌وقفه مدعیان قدرت در مشهد افزایش می‌یافت و مجالی برای آرامش و ثبات حکومت باقی نمی‌گذاشت. هنوز رقابت و کشمکش میان طرفداران شاه سلیمان ثانی و شاهرخ، پایان نیافته بود که احمدشاه درصدد تصرف هرات برآمد. در این زمان هرات در دست دو تن از فرماندهان سپاه نادر، امیرخان میش مست و بهبودخان اتک بود. امیرخان که به خوبی می‌دانست هدف بعدی احمدشاه هرات خواهد بود، از دور فعالیت‌های او را رصد می‌کرد و به نوشته حسینی منشی: "جواسیس به سمت دارالقرار قندهار گماشته و همیشه متفحص و مستخبر از صادرات اردوی کیهان‌پوی بود" (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

منابع درباره انگیزه لشکرکشی احمدشاه به هرات و چگونگی تسلیم یا تصرف این شهر روایت‌های متفاوتی دارند. به نوشته گلستانه، بهبودخان و امیرخان از هرات عریضه دعوتی برای احمدشاه فرستادند و او که منتظر فرصت بود، بلافاصله به سمت هرات حرکت کرد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۶۱)، اما فیض محمد، نقش احمدشاه را در این مورد پررنگ‌تر جلوه داده و تصرف هرات و پیشروی او در خراسان را برای حمایت و پشتیبانی از شاهرخ در برابر رقیبانش، و تلاش برای به تخت نشاندن او دانسته است (نک: فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۸ / ۱).

به هر روی، احمدشاه وقتی نزدیک هرات رسید، امیرخان و بهبودخان را به حضور طلبید، اما آنها با درخواست کمک از شاهرخ، تصمیم به مقاومت گرفتند. شهر توسط نیروهای احمدشاه محاصره شد، اما با مقاومت مردم به فرماندهی امیرخان و بهبودخان سپاه احمدشاه تا ۹ ماه پشت دروازه‌های شهر ماندند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۶۱-۶۲).^۱ در تمام این مدت امیرخان چندین بار پیک‌هایی را برای درخواست کمک نزد شاهرخ فرستاد (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۱۴۴)، اما از بدقابالی هراتی‌ها، شاهرخ همچنان درگیر کشمکش با رقیبان بود و آنقدر به دادن وعده و وعید ادامه داد که سرانجام مردم هرات که با قحطی دست و پنجه نرم می‌کردند، ناامید شدند و گروهی از آنها در تاریکی شب دروازه‌های قلعه^۲ را به روی نیروهای مهاجم گشودند و بدین ترتیب هرات به تصرف نیروهای ابدالی درآمد. برخی منابع به باز کردن دروازه‌های شهر به دست مردم اشاره

تهاجم‌های پی در پی ابدالیان در بازه زمانی نه چندان طولانی، با توجه به اینکه هدف اصلی آنها مرکز حکومت شاهرخ، یعنی مشهد بود، چه شهرها و مناطق دیگری را نیز درگیر جنگ کرد و چه پیامدهایی از خود به جای گذاشت؟

احمدشاه درانی و شاهرخ افشار

پس از قتل نادرشاه، احمدخان ابدالی با تصرف بخش قابل توجهی از اموال اردوی نادر و به همراه یکی از سران افغان به نام نور محمدخان علیزایی به قندهار گریخت (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۲/۱؛ حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۵۵) و پس از وقایعی چند، از سوی سران افغان به عنوان پادشاه برگزیده شد (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۱/۲-۱۲؛ حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱). اندکی بعد بی‌ثباتی اوضاع و کشاکش قدرت میان خانواده نادر، و سرانجام جلوس عادل‌شاه (حک: ۱۱۶۰-۱۱۶۱ق) در مشهد، سبب شد تقی‌خان شیرازی، از فرماندهان برجسته نادر، نیز پیوستن به احمدشاه را به رفتن به مشهد ترجیح دهد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۹؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۶۰-۶۱). از آنجا که تقی‌خان شیرازی به جز نزدیک بودنش به نادر، از وجهه خوبی نیز میان سپاهیان برخوردار بود، با تشویق و دعوت او، نیروهای سابق نادر که پس از این تحولات در حدود کابل، لاهور و سرزمین‌های اطراف آن پراکنده شده بودند، به احمدشاه پیوستند. همچنین موفقیت احمدشاه در تصرف قندهار، سبب شد سپاهیان بسیاری از ایلات مختلف و طوایف کوهستانی نیز به نیروهای او ملحق شوند و بدین گونه بود که نیروی نظامی او به میزان قابل ملاحظه‌ای تقویت شد.

اخبار کشاکش‌های میان جانشینان نادر در خراسان و خالی بودن میدان از رقیبی جدی، و تجربه و شناختی که احمدشاه در دوران خدمتش در سپاه نادر کسب کرده بود، از عوامل مهمی بودند که او را به فکر لشکرکشی به خراسان انداخت. محدوده حکومت شاهرخ در این زمان، شامل بخش کوچکی از خراسان، که به نوشته ملکم در پیوست نامه‌های پراکنده خود مورخ ۱۰ آوریل ۱۸۰۱م، حدود آن از شمال به جنوب، مشهد تا یزد، و از شرق به غرب هرات تا مزیان، که در عمل در اختیار امرای محلی قرار داشت (به نقل از توکلی، بی‌تا: ۴۲-۴۱)، با مرکزیت مشهد بود. با این وجود، این ایالت به جز اهمیت سیاسی و اقتصادی خاص، به مثابه حائلی نیز میان نواحی تحت فرمان احمدشاه و کریم‌خان زند (حک:

^۲ در *سراج‌التواریخ* نام آن برج خاکستر آمده است (فیض محمد ۱۳۷۲: ۱۸ / ۱)

^۱ مقایسه کنید با *سراج‌التواریخ* (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۸ / ۱) و *تاریخ احمدشاهی* (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۱۵۱) که مدت محاصره را ۴ ماه نوشته‌اند.

نکرده و آورده‌اند که به دستور احمدشاه، نیروهایش زیر دو برج سمت شرقی شهر نقب زده و سپس آن را با باروت منفجر کردند و امیرخان به ناچار، عریضه‌ای مبنی بر تسلیم شهر به احمدشاه نوشت (نک: حسینی‌منشی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). پس از ورود سپاهیان مهاجم، آسیب‌های بسیاری به هرات وارد آمد (نک: گلستانه، ۱۳۴۴: ۶۴). گویا احمدشاه پس از ورود به شهر، به انعقاد قرارداد صلح با امیرخان بسنده کرد و چندی بعد نیز شهر را ترک کرد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۶۴؛ حسینی‌منشی، ۱۳۸۶: ۱۵۲-۱۵۳؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۳۸؛ قس: مدرس رضوی، حواشی و توضیحات، ۱۳۴۴: ۴۰۶، که به نقل از تاریخ سلطانی از مقاومت امیرخان در برابر احمدشاه و نهایتاً کشته‌شدن او خبر داده است).^۱

احمدشاه پس از هرات، برای تصرف مشهد وارد عمل شد. به نظر می‌رسد او برای انجام این طرح، به بهانه نیاز داشت، زیرا پس از محاصره مشهد در ۱۶ شوال ۱۱۶۷ ق که گروهی از سرکردگان ایالت کوگلان (ناحیه‌ای در دشت گرگان) به حضورش رسیده بودند، در فرمانی که در آن به شرح مرام خود پرداخته بود (نک: شهشهانی، ۱۳۳۷: ۱۵۹-۱۶۰)، آزادسازی اسرا را مستمسک قرار داده و خطاب به خوانین ترکمن نوشته بود: "منظور نظر اقدس چنان است که به فضل قادر لم یزل، اسرای مسلمانان که در عهد نادرشاه گرفتار گردیده، نجات از ارض اقدس دهیم و در عرض راه تون و قاین و غیره، ولایات که به تصرف امنای دولت قاهره درآمده، هرچه اسیر مسلمان بود، نجات یافته و حال، قلعه مشهد را محاصره داریم. انشاءالله همین که قلعه فتح شد به کلی کل ایران به تصرف آمد" (نک: احمدشاه ابدالی، ۱۳۳۷: ۱۶۳).

نهایتاً برای دستیابی به این اهداف بود که لشکرکشی‌های سه‌گانه احمدشاه در سال‌های ۱۱۶۴ ق؛ ۱۱۶۸ ق م و ۱۱۸۳ ق به خراسان رقم خورد.^۲

الف: لشکرکشی اول (۱۱۶۴ ق / ۱۷۵۰ م)^۳

در روزهایی که هرات در محاصره احمدشاه بود، شاهرخ درگیری رقبای سیاسی خود بود و به احتمال هراس داشت چنانچه مشهد را ترک کند شاید امرای مخالفش شخص دیگری را جایگزین او کنند و دیگر هرگز نتواند به مقر حکمرانی خود بازگردد، به همین

نیاز یک سال، برج و باروی شهر را نیز محکم کرد. احمدشاه که بدون هیچ مانعی مسیر را تا قریه گل‌شور، واقع در دو فرسخی مشهد را پیموده بود، همان‌جا اردوی خود را برپا کرد. با اینکه گروهی از خوانین و سرکردگان ایلات مانند محمدحسین خان گُرد قراچورلو، جعفرخان زعفرانلو، فضل‌علی خان

۳. فیض محمد، تاریخ لشکرکشی دوم احمدشاه به خراسان را در این سال، و لشکرکشی

اول را یک سال پیش از آن (۱۱۶۳ ق) نوشته است (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱/۲۰).

۴. گلستانه تعداد سپاهیان احمدشاه را در این لشکرکشی ۷۰ هزار نفر نوشته است (گلستانه، ۱۳۴۴: ۶۸).

۱. نیز بنگرید به فیض محمد که کشته‌شدن امیر عرب خان (امیرخان میش مست) را در این جنگ تأیید کرده است (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۸/۱).

۲. اعتمادالسلطنه از قول میرعبدالکریم بخارایی، تاریخ اولین لشکرکشی را نوشته و دومین تاریخ هم به استاد فرمان‌های احمدشاه است (اعتمادالسلطنه، مطلع/شمس، ۱۳۶۲-۶۳: ۶۳۴/۲-۶۳۵-۶۳۷).

ایستادگی کردند و در نتیجه، نه تنها ابدالی‌ها به شهر دست نیافتند که شکست سختی نیز از نیشابوریان خوردند (اعتضاد السلطنه، ۱۳۶۵: ۳۹؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۶۸-۷۴). به روایت گلستانه، در این درگیری‌ها، جعفرخان بیات به ضرب گلوله زنبورک‌های افغان‌ها کشته شد و پس از وی پسرش عباس قلی‌خان مبارزه را ادامه داد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۲-۷۰).

به گزارش منابع، تعداد تلفات سپاهیان احمدشاه در جنگ با نیشابوریان ۸۰۰۰ نفر بود که عده‌ای نیز هنگام عبور از رودخانه هرات از بین رفتند (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۹/۱).^۳ این شکست ضربه مهلکی برای احمدشاه بود و نخستین لشکرکشی او به خراسان، نه تنها نفعی عایدش نکرد که به جز خسارات جانی و مالی سنگین برای سپاهیان، به شهرت و حیثیت او نیز خدشه وارد آورد.

ب: لشکرکشی دوم (۱۱۶۸ ق / ۱۷۵۴ م)

خاطره تلخ شکست نیشابور و اوضاع آشفته سیاسی خراسان، از انگیزه‌های اصلی احمدشاه برای تهاجم دوم او به این منطقه بود. او این بار منتظر فرا رسیدن بهار شد و پس از نوروز سال ۱۱۶۸ ق^۴ با عبور از جام و لنگر به مشهد رفت و آن را محاصره کرد. شاهرخ دوباره همان روش پیشین را برگزید و به حفاظت از برج و باروی شهر پرداخت. محاصره ۶ ماه به طول انجامید و سرانجام احمدشاه که انتظار بیش از آن را به صلاح نمی‌دانست، بر آن شد با سیاست و حفظ ظاهر و احترام به شاهرخ، او را مجاب کند که خود شهر را تحویل دهد، بنابراین در پیامی به شاهرخ، هدفش از سفر را زیارت حرم امام‌رضا (ع) عنوان کرد و از او خواست تا اجازه ورود به شهر را صادر کند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۲-۷۳؛ حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۴۵). شاهرخ هم که می‌دانست توان تحمل مدت طولانی محاصره را ندارد، پیام احمدشاه را به فال نیک گرفت و شرط صدور اجازه را منوط به ملاقاتش با احمدشاه کرد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۳-۷۴). احتمالاً هدف شاهرخ از پیشنهاد مذاکره با احمدشاه، اطمینان از حفظ مقام و جایگاهش و شاید حفظ امنیت جان و مال مردم بود. روز بعد از این درخواست، شاهرخ در حالی که استقبال

کرد و خدابخش‌خان کیوانلو نزد شاهرخ بودند، چون تاب مقاومت در برابر احمدشاه را در خود نمی‌دیدند، از اطراف شاهرخ پراکنده شدند (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۳۴). توحیدی روایت دیگری از این جریان‌ها دارد. به نوشته او گردهای خراسان به فرماندهی محمدحسین‌خان زعفرانلو به جنگ احمدشاه رفتند و او را وادار به عقب‌نشینی کردند، اما پس از اینکه شاهرخ به جای تقدیر، آنها را آزرده‌خاطر کرد، به حالت قهر مشهد را ترک و به چناران و قوچان بازگشتند (توحیدی، ۱۳۵۹: ۱۷۹-۱۸۰).

وقتی نیروهای احمدشاه مشهد را محاصره کردند، شاهرخ که فاقد نیروی نظامی منسجم و سازمان‌یافته بود، به تنها گزینه، یعنی ماندن در حصار شهر بسنده کرد، اما دو پسرش، نصرالله‌میرزا و نادر میرزا، بیکار نماندند و با اندک افرادی که در اختیار داشتند، از شهر خارج شده و با ترفند تعقیب و گریز، چندین بار به اردوی احمدشاه حمله کردند. ماندن در حصار شهر و تاکتیک‌های دو پسر شاهرخ، سبب شد آنها تا زمستان تاب آورند و چون هوا سرد شد، احمدشاه ماندن در خارج شهر را به مصلحت خود و سپاهش ندانست و به ناچار روبه‌صلح را در پیش گرفت. او پس از مصالحه با شاهرخ و تحویل گرفتن همسر و پسرش تیمور، که از دوره نادر در مشهد بسر می‌بردند، به محاصره مشهد خاتمه داد (اعتضاد السلطنه، ۱۳۶۵: ص ۲۹). به نوشته فیض محمد، یکی از شرایط احمدشاه برای صلح با شاهرخ، دریافت مبلغ بسیار به رسم نعل بها^۱ بود و اینکه به دستور احمدشاه، شاهرخ از زندان آزاد و به حکومت مشهد منصوب شد (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۹/۱)، اما از آنجا که منابع دیگر از زندانی شدن شاهرخ و سپس آزاد شدنش به دستور احمدشاه سخنی نگفته‌اند، به نظر می‌رسد فیض محمد درصدد قدرت بخشیدن بیشتر به احمدشاه و پررنگ نشان دادن نقش او در وقایع این دوران و همچنین اغراق در وضعیت بی‌ثبات و ضعیف شاهرخ بوده است.

احمدشاه در مسیر بازگشت، برای به اطاعت درآوردن جعفرخان بیات^۲، حکمران نیشابور و کسب غنیمت و مخارج سپاه به سمت این شهر رفت، اما برخلاف انتظار او جعفرخان بیات با کمک و همراهی مردم شهر در حالی که زمستان نیز به یاری آنها آمده بود،

۱. نیشابور را ۱۲ هزار نفر دانسته است (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۲) که به نظر اغراق‌آمیز می‌آید.

۲. فیض محمد تاریخ لشکرکشی دوم احمدشاه را ۱۱۶۴ ق. آورده (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۲۰/۱)، که با توجه به فرمان تاریخی احمدشاه به رؤسای قبایل کولگان در ۱۱۶۷ ق. و قرارداد توافق و صلح شاهرخ با احمدشاه در ۱۱۶۸ ق.، که با مهر شاهرخ مزین است، نباید درست باشد (نک: شهشهانی، ۱۳۳۷: ۱۵۹-۱۶۳؛ نوایی، ۱۳۶۸: ۵۴۸).

۱. زری که به لشکر بیگانه برای بازگشت به دیار خود را دهند (فیض محمد، پانویس سراج/تواریخ، ۱۳۷۲: ۱۹/۱).

۲. فیض محمد نام او را عباس قلی‌خان بیات نوشته است (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۹/۱). درخور توجه است که عباس قلی‌خان پسر جعفرخان بیات بود که پس از پدر جانشین او شد.

۳. مقایسه کنید با گلستانه که تعداد نیروهای کشته شده احمدشاه در جریان محاصره

خدمت به شاهرخ، و در واقع به عنوان نماینده مورد اعتماد خود برای انتظام امور و ممانعت از هرگونه شورش یا نافرمانی در خراسان منصوب کرد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۳-۷۴؛ حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۵۴) و نواحی بین هرات و مشهد، مانند جام، باخرز، تربت حیدریه، خواف و ترشیز^۲ نیز تحت فرمان او درآمدند (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۲۰-۲۱).

احمدشاه که این‌بار خشنود از دستاوردهای خود بود، برای جبران شکست پیشین به نیشابور رفت. مردم نیشابور که هنوز از تهاجم سه سال گذشته قامت صاف نکرده بودند این‌بار نتوانستند مقاومت چندانی کنند و پس از یک محاصره کوتاه، عباس‌قلی‌خان، با وساطت شاه قلی‌خان وزیر و با این شرط که جان مردم در امان باشد، به تسلیم قلعه شهر رضایت داد. با موافقت احمدشاه، پس از تخلیه شهر، برج‌ها و تمام خانه‌ها، به جز مسجد جامع چنان ویران شدند که به نوشته گلستانه، تا زمان تألیف *مجموعه التواریخ* (حدود ۱۱۹۵-۱۱۹۶ق) هنوز این خرابی‌ها آباد نشده بود (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۴-۷۵؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۴۰؛ فیض محمد، ۱۳۷۲: ۲۰/۱؛ بارتولد، ۱۳۷۲: ۱۲۹). اما حسینی منشی روایت متفاوتی درباره مسئله نیشابور دارد. به نوشته او، احمدشاه نخست عبدالله‌خان درانی قورچی‌باشی را برای سرکوب مخالفان به نواحی اطراف نیشابور فرستاد و پس از انجام مأموریت و بازگشت او، امیرخان قرایی سردار و خلیل‌خان میثم‌مست، حکمران ترشیز و اسماعیل‌خان، ناظم خواف را درحالی که حامل نامه‌ای از احمدشاه برای پذیرش اطاعت عباس‌قلی‌خان بیات و بزرگان شهر بودند، برای محاصره نیشابور بدان سو فرستاد (نک: حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۵۱-۲۵۲). او می‌افزاید، پس از اینکه عباس‌قلی‌خان برای اظهار اطاعت به اردوی احمدشاه رفت و درخواست او پذیرفته شد، مردم نیشابور با شنیدن اخبار مقاومت مردم سبزوار در برابر نیروهای ابدالی به سرکردگی شاه پسندخان، تمرد کرده و تصمیم به مقاومت گرفتند و پس از آن بود که به دستور احمدشاه قلعه نیشابور تصرف و شهر ویران شد (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۵۹).

در فاصله این رویدادها، شاه پسندخان افغان نیز که به دستور احمدشاه به شاهرود، بسطام و سبزوار رفته بود با وجود دفاع سرسختانه مردم، این شهرها و نواحی اطراف آن را غارت کرد (گلستانه، ۱۳۴۴:

شایانی از وی شد، به ملاقات احمدشاه رفت و سه روز در اردوی او ماند و پس از مذاکره، طرفین توافق کردند احمدشاه برای زیارت وارد مشهد شود.

به نوشته فیض محمد: "چون مدت محاصره شش ماه طول کشیده، مشه‌دیان را حال تباهی رسید؛ لاجرم شاهرخ پسران خود را با گروهی از سادات و علما از در استیمان نزد اعلیحضرت احمدشاه روانه نموده، از حقوق نعمت نادری بدو یادآوری کرده، به حرمت روضه رضوی به مصالحه‌اش راضی کرد، مشروط به اینکه سکه و خطبه بنام اعلیحضرت احمدشاه زده و خوانده شود" (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۲۰/۱). با توجه به اینکه هنگام بازگشت شاهرخ به مشهد، چند نفر از علمای احمدشاه نیز برای خواندن خطبه و یک نفر ضراب، برای تکمیل عیار طلا و نقره سکه بنام احمدشاه با او وارد شهر شدند (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۴۶-۲۴۷)، این گفته که پس از ورود احمدشاه به شهر بود که شاهرخ ناچار شد شرایط خواندن خطبه و ضرب سکه به نام او را بپذیرد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۳-۷۴)، چندان درست به نظر نمی‌رسد و گویا گلستانه بر آن بوده تا نشان دهد شاهرخ در مقابل عمل انجام‌شده قرار گرفته بود و چون احمدشاه وارد مشهد شد، نتوانست در برابر خواسته‌های او از جمله ضرب سکه مقاومت کند.

با این اوصاف می‌توان دریافت که مذاکرات میان شاهرخ و احمدشاه صرفاً محدود به اجازه ورود احمدشاه به مشهد نبود و توافق صلح با دادن امتیازات درخور به احمدشاه میسر شده بود.

به هر روی احمدشاه وارد شهر شد و به نوشته حسینی منشی، روز ورود او خطیبان بر بالای منبر خطبه را به ذکر خلفای راشدین و القاب احمدشاه خواندند (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۴۷)، گرچه منابع دیگر در این باره چیزی ذکر نکرده‌اند. او پس از زیارت حرم امام رضا (ع) نزد شاهرخ رفت و توافق کردند سکه بنام احمدشاه ضرب شود، اما مهر فرامین و ارقام و احکام همچنان بنام شاهرخ باشد. در میان فرامین شاهرخ، دو فرمان او یکی با تاریخ ذی‌الحجه ۱۱۶۸ق و دیگری با تاریخ ۱۱۸۳ق، با سجع مهوری است که این بیت: "یافت از الطاف احمد پادشاه - شاهرخ بر تخت شاهی تکیه‌گاه" بر آن نقش شده است (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۲۰/۱).

احمدشاه درصدد کسب امتیازهای بیشتر برآمد و با این استدلال که امرای خراسان امور سلطنت را رها و هریک به دیار خود شتافته‌اند، نورمحمدخان درانی خوگیانی^۱ را در ظاهر برای

۱. گلستانه نام او را نورمحمدخان افغان نوشته است (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۳).

۲. ترشیز نام قدیمی ناحیه و شهری در جنوب غربی مشهد که امروزه ویرانه‌های آن در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب غربی شهر خلیل‌آباد، از توابع کاشمر، واقع است (*دانشنامه جهان اسلام*، ۱۳۸۲: ۱۱۷/۷).

از مشهد و تعیین امیرخان قرایی با اعطای رتبه سرداری خراسان به جای او بود (گلستانه، ۱۳۴۴: ۹۲-۹۳).

در فاصله این جابجایی‌ها، شاهرخ از غیبت نورمحمدخان استفاده کرد و شتابزده، فریدون‌خان گرجی را به نیابت خود در مشهد منصوب نمود. در میان فرامین شاهرخ، دو فرمان او، یکی با تاریخ ذی‌الحجه ۱۱۶۸ق و دیگری با تاریخ ۱۱۸۳ق با سجع مَه‌ری است که این بیت: یافت از الطاف احمد پادشاه - شاهرخ بر تخت شاهی تکیه‌گاه (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۲۰ / ۱)، بر آن نقش شده و در خلال این دو تاریخ، فرمان‌ها با مَه‌ر دیگر است. به همین سبب، مدرس رضوی احتمال داده دور بودن احمدشاه از خراسان و فراخواندن نور محمدخان افغان از مشهد، فرصتی بود برای شاهرخ تا از مَه‌ر خود استفاده کند و از مَه‌ری که با نام احمدشاه بود تا لشکرکشی بعدی او به خراسان استفاده نکرد (مدرس رضوی، ۱۳۴۴: ۴۱۵). همچنین به نوشته افشار یزدی، شاهرخ پس از پذیرفتن شرایط احمدشاه و تعیین نورمحمدخان به پیشکاری او در مشهد، در فرمان‌هایش از مَه‌ری استفاده کرد که نشان از پیروزی احمدشاه در مشهد داشت، اما پس از اینکه احمدشاه به سبب هزیمت لشکریانش در مزینان مأیوس شد و نورمحمدخان را به قندهار فرا خواند، شاهرخ نیز تا لشکرکشی بعدی احمدشاه از مَه‌ر خود استفاده کرد (افشار یزدی، ۱۳۶۰: ۲ / ۲۴).

شاهرخ و فریدون‌خان نخست مانع ورود امیرخان قرایی به شهر شدند، اما او به بهانه زیارت حرم وارد مشهد شد و با تصرف دروازه شهر و چند برج دیگر، زمام امور را در دست گرفت و از آن پس به نوشته گلستانه، نه به گونه نیابت، که مانند سلطنت فرمان راند و با تعرض با مردم رفتار می‌کرد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۹۳؛ اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس، ۱۳۶۲-۶۳: ۱ / ۶۳۰). رفتارهای امیرخان و نحوه ورود و دخالت‌های بی‌حد و حصر او چنان شاهرخ را به ستوه آورد که در اقدامی بی‌سابقه به فریدون‌خان گرجی اجازه دخالت داد و او با کمک مردم دروازه‌ها و برج‌های شهر را از امیرخان گرفت و او را از مشهد بیرون کرد و خود دوباره اداره امور را برعهده گرفت (گلستانه، ۱۳۴۴: ۹۴-۹۳). گویا فریدون‌خان چندان اقتداری نداشت زیرا، نصرالله میرزا و نادر میرزا که از دامنه اختیارات او ناراضی بودند، او را غافلگیر و به قتل رساندند. شاهرخ برای آزمودن شانس خود در جلب حمایت کریم‌خان زند (حک: ۱۱۶۳-۱۱۹۳ق) و همچنین دور کردن نصرالله میرزا که

۷۵-۶۵؛ حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۵۷). پیروزی‌های چشمگیری احمدشاه، تلنگر بزرگی بود برای خوانین بزرگ خراسان از جمله عباس‌قلی‌خان، ابراهیم‌خان بغیری، عیسی‌خان گُرد و علی‌خان قلیجی که خود وارد عمل شوند و دیگر چشم‌امیدی به یاری شاهرخ نداشته باشند. بنابراین آنها در اقدامی مشترک، برای درخواست کمک به محمدحسن‌خان، پسر فتحعلی‌خان قاجار، که در استرآباد به استقلال حکومت می‌کرد، متوسل شدند. نامی اصفهانی یکی از دلایل مهاجرت این گروه را در اختیار داشتن بخشی از جواهرات و ثروت امیرعلم‌خان خزیمه دانسته تا مبادا به دست افغان‌ها بیفتد. او همچنین افزوده محمدحسن‌خان ضمن استقبال گرم، املاک و اقطاعی را در مازندران به این افراد داد و سپاهیان آنها را به لشکریان خود ملحق کرد (نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۵۲).

منابع از تصمیم احمدشاه برای ارسال سپاه به منظور تصرف مازندران اشاره کرده‌اند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۶؛ مستوفی تبریزی، ۱۳۹۷: ۳۰؛ نیز نک: حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۶۲-۲۶۳).

با توجه به خطر پیشروی نیروهای افغان به سوی استرآباد و اینکه خان قاجار اخبار حمله سپاهیان ابدالی به سبزووار را نیز دریافت کرده بود، تصمیم به مداخله گرفت و محمد ولیخان قاجار یوخاری‌باشی و برادرش حسین‌خان و حسن‌خان لنگ قاجار را به مقابله سپاهیان ابدالی فرستاد. در درگیری میان آنها در دشت مزینان سبزووار، نیروهای متحد موفق شدند شکست سختی بر شاه‌پسندخان وارد کنند و مانع پیشروی بیشتر او شوند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۷۶-۷۸؛ مستوفی تبریزی، ۱۳۹۷: ۳۰-۳۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۱۵۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۴۱).^۲

مصادف با این وقایع در سوی دیگر، اسماعیل‌خان زنگنه، حکمران خواف که نخست اطاعت خود را از احمدشاه اعلام کرده بود، از در مخالفت درآمد و ضمن اعلام استقلال، مدتی در برابر نیروهای فرستاده احمدشاه به فرماندهی انزل‌خان، مقاومت کرد (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۵۹-۲۶۲). احمدشاه که در راه بازگشت به هرات بود، از بیم گسترش نافرمانی و شورش بیشتر خوانین و مردم منطقه، برای فیصله‌دادن به موضوع، خود وارد میدان شد و قلعه خواف را با توپ ویران کرد و اسماعیل‌خان وادار به تسلیم شد و احمدشاه به جای او میرزا اسحاق خفاچه را به حکومت خواف گمارد (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۶۴-۲۶۵). از دیگر اقدامات احمدشاه پیش از بازگشت به هرات، احضار نورمحمدخان

۲. حسینی منشی جنگ سواران فرستاده محمدحسن‌خان قاجار با شاه‌پسندخان را پیش از تصرف نیشابور نوشته است (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

۱. فیض محمد، این وقایع را در لشکرکشی احمدشاه به خراسان در سال ۱۱۶۴ق. و تعداد سپاهیان در خدمت شاه‌پسندخان را ۵۰۰۰ نفر نوشته است (فیض محمد، ۱۳۷۲: ۲۰ / ۱).

برانگیخت و گویا در این روزهای سخت، بازتاب رشادت‌ها و پیروزی‌های این شاهزاده موجب دلگرمی مردم می‌شد و به آنها امید می‌داد (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۳۵).

در سوی دیگر نیز سپاهیان متحد علیمردان خان زنکویی و نادر میرزا و برخی از خوانین خراسان در نزدیک گناباد با سپاهیان احمدشاه که تحت فرمان رسول خان قوللر آقاسی بودند، رویاروی یکدیگر قرار گرفتند. ابتدا افغان‌ها شکست خوردند و احمدشاه برای تقویت نیروهایش، جهان‌خان و نصیرخان بلوچ، حکمران بلوچستان، را به کمک آنها فرستاد. سرعت عمل احمدشاه به حدی بود که علیمردان خان فرصت نیافت از نیروهای مناطق همجوار درخواست کمک کند و در یک درگیری کشته شد. چون قلعه کردوی به دست ابدالی‌ها افتاد، سپاهیان علیمردان خان نیز از اطراف نادر میرزا پراکنده شدند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۱۴-۱۱۶؛ اعضا داد السلطنه، ۱۳۶۵: ۴۱).

هنوز اخبار این پیروزی به احمدشاه نرسیده بود، بنابراین او برای خاتمه دادن به محاصره مشهد، شاهقلی خان را ظاهراً برای صلح، اما در واقع برای تسلیم شاهرخ نزد او فرستاد و شاهرخ که از مقاومت ناامید شده بود، برای استقبال به اردوی احمدشاه رفت (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۱۶-۱۱۸؛ مقایسه کنید با غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۳۷ که نوشته ورود شاهقلی خان به مشهد و مشورت با شاهرخ پس از ملاقات شاهرخ و احمدشاه و اعلام شروط احمدشاه بود). پس از توافق حاصله میان طرفین، شاهرخ به مشهد بازگشت، اما وقتی اخبار کشته شدن علیمردان خان و هزیمت نادر میرزا را به احمدشاه رساندند، او بلافاصله موضع خود را تغییر داد و عهد و پیمان بسته با شاهرخ را نادیده گرفت و به عملیات جدیدی دست زد و سپاهیانش قلعه گلستانه، از مضافات مشهد را تصرف و غارت کردند و تعدادی از مردم آنجا را کشتند و به اسارت گرفتند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۱۸).

احمدشاه این بار ولیخان را با هدایایی نزد نصرالله میرزا فرستاد و شرایط جدید صلح خود را عنوان کرد که در میان آن ازدواج یکی از دختران شاهرخ با سلیمان پسر احمدشاه و رفتن یزدان بخش میرزا، پسر شاهرخ، به عنوان گروگان همراه احمدشاه به قندهار بود. شاهرخ به ناچار به این شرایط تن در داد، اما چون به ازدواج دخترش با پسر احمدشاه رضایت نداشت، با ترفندی، دختر فریدون خان گرجی را به جای دختر خود، با کنیزان و خواجه‌سرایان به اردوی احمدشاه فرستاد (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۳۸؛ قس: گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۱۹ که نوشته گوهرشاد بیگم، دختر شاهرخ را به

قادر به کنترل وی نبود، به او مأموریت داد به شیراز برود (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۳۳). با وجود تمایل کریم خان برای کمک به شاهرخ، پس از اینکه اطرافیان او را از هدف واقعی شاهرخ که دور کردن نصرالله میرزا از مرکز حکومت بود، مطلع کردند، اقدامی نکرد و بدین ترتیب نصرالله میرزا ۶ ماه در شیراز ماند (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۳۳؛ گلستانه، ۱۳۴۴: ۹۴-۹۵؛ محمدتقی خان، ۱۳۶۶: ۵۸۳). این فعالیت‌ها از چشم احمد شاه که مراقب اوضاع خراسان بود، پنهان نماند و با پیشینه وقایع رخ داده درخصوص نمایندگی‌اش در مشهد، مقدمات لشکرکشی بعدی خود به خراسان را تدارک دید (محمدتقی خان، ۱۳۶۶: ۶۳۳).

پ: سومین لشکرکشی (۱۱۸۳ ق / ۱۷۶۹ م)

به نظر گلستانه، هدف احمدشاه از این لشکرکشی، همراه کردن گروهی از خراسانیان با خود و جلب موافقت شاهرخ برای تصرف عراق، آذربایجان و فارس بود (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۱۰)، اما با توجه به رفتار خشونت‌بار سپاهیان ابدالی با مردم و اختلاف شاهرخ با برخی از سران ایلات و حتی با فرزندانش، احتمال هرگونه اتحاد او با احمدشاه دشوار به نظر می‌رسد، ضمن اینکه میان شاهرخ و کریم خان زند مناسبات دوستانه توأم با احترام برقرار بود و دور از ذهن می‌نمود که او با احمدشاه در مقابل خان زند متحد شود.

نصرالله میرزا، که در این زمان از فارس بازگشته بود، برای کمک گرفتن از سران کرد و خوانین مناطق اطراف در مقابل احمدشاه، به چناران رفت، اما با بی‌میلی آنها برای کمک مواجه شد و بدون حصول نتیجه مطلوب به مشهد بازگشت. بنابراین شاهرخ برای کمک گرفتن از خان زند، پسر محبوبش نادر میرزا را به فارس فرستاد اما وقتی نادر میرزا به طبرس رسید، علی‌مردان خان زنکویی، حکمران طبرس، که کمک گرفتن از کریم خان را موجب شرمساری سرداران خراسان تلقی می‌کرد، مانع ادامه سفر او شد و به تمام خوانین اطراف نامه نوشت و از آنان برای جنگ با افغان‌ها یاری خواست (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۱۲-۱۱۳).

دوباره مشهد توسط نیروهای احمدشاه محاصره شد و باز هم مانند قبل نصرالله میرزا شجاعانه و به شیوه جنگ و گریز از شهر دفاع کرد و با این روش توانست تلفات سنگینی به نیروی‌های احمدشاه وارد کند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۱۴، ۶۳۴؛ فیض محمد، ۱۳۷۲: ۱۸/۱). رشادت‌های نصرالله میرزا در این زمان تحسین مورخین را

را با اندکی تفاوت با وقایع لشکرکشی دوم احمدشاه به خراسان درهم آمیخته است.

۱. حسینی منشی، تاریخ این جنگ را سه‌شنبه ۵ جمادی‌الاول ۱۱۸۵ ق. نوشته (حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۵۷۶) که نباید درست باشد. همچنین فیض محمد (۱۳۷۲: ۲۰/۱) نیز این رویدادها

تعرض درانی‌ها در امان نگه دارد اما با وجود رشادت‌های پسرش نصرالله میرزا در مقابله با ابدالی‌ها، در نهایت ناچار به پذیرفتن صلح اجباری و شرایط احمدشاه شد. پس از آن نیز شاهرخ هر زمان فرصت می‌یافت با دور شدن احمدشاه از خراسان و درگیری‌های او، مخالفت خود را با بیرون راندن نماینده او از شهر و سرباز زدن به تعهدات پذیرفته شده ابراز می‌کرد.

پیامد لشکرکشی‌های احمدشاه به خراسان، از دست دادن حاکمیت افشاریان بر قندهار، هرات و نواحی مهم دیگر بود. کشته شدن، به اسارت رفتن و غارت اموال بسیار مردمی که در مسیر عبور سپاهیان مهاجم سکنی داشتند یا در نواحی همجوار مشهد زندگی می‌کردند، نیز از دیگر پیامدهای این جنگ‌ها بود که از آن میان می‌توان به درگیر شدن شهرهای مهمی مانند نیشابور و سبزوار اشاره کرد که خسارت‌های وارده بر آنها چنان بود که پس از آن هیچ‌گاه جبران نشد.

منابع و مآخذ

- ابدالی، احمدشاه (۱۳۳۷ش) "متن فرمان"، به کوشش سید حسین شهشهانی، فرهنگ ایران زمین، جلد ۶
- استرآبادی، مهدی (۱۳۴۱ش)، *جهانگشای نادری*، به اهتمام سید عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۶۵)، *تاریخ وقایع و سوانح افغانستان*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳ش)، *تاریخ منتظم ناصری*، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- (۶۳-۱۳۶۲ش)، *مطلع الشمس*، به کوشش تیمور برهان لیموده، تهران: فرهنگسرای یساولی.
- افشار یزدی، محمود (۱۳۶۰ش)، *افغان نامه*، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۷۲ش)، *تذکره جغرافیایی تاریخی ایران*، تهران: انتشارات توس.
- توحیدی (اوغازی)، کلیم‌الله (۱۳۵۹ش)، حرکت تاریخی کُرد "خراسان" در دفاع از استقلال ایران، مشهد: چاپخانه کوشش.
- توکلی، احمد(بی‌تا)، *افغانستان*، روابط سیاسی ایران و افغانستان، بی‌جا: چاپخانه مهر.
- حزین، محمدعلی (۱۳۳۲ش)، *تاریخ حزین*، اصفهان: کتابفروشی تأیید.
- حسینی منشی، محمود بن ابراهیم (۱۳۸۶ش)، *تاریخ احمدشاهی*، مقدمه، تصحیح و فهارس محمد سرور مولایی با همکاری محمد کاظم کاظمی، تهران: عرفان.
- دانشنامه جهان اسلام* (۱۳۸۲ش)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* (۱۳۷۴ش)، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- شاه‌نوازخان، نواب صمصام‌الدوله (۱۸۹۰م)، *مآثر الامرا*، تصحیح مولوی

ازدواج تیمورشاه درآوردند؛ نیز نک: حسینی منشی: ۱۳۸۶: ۵۷۸ که روایت متفاوتی نسبت به این رویدادها دارد).

پس از این توافقات و بنا به توصیه امرای احمدشاه، که نگران شورش سرداران و بزرگان خراسان بودند و اقامت طولانی‌تر او در منطقه صلاح را مصلحت نمی‌دانستند و با توجه به پیشرفت مرض جذام احمدشاه، سرانجام احمدشاه در ۸ صفر سال ۱۱۸۴ ق به محاصره مشهد خاتمه داد و به قندهار بازگشت (گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۲۰؛ غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۳۸).

این آخرین سفر احمدشاه به مشهد بود و او پس از بازگشت به قندهار، در شب جمعه ۲۰ رجب سال ۱۱۸۶ ق / ۱۷۷۲ م به همان مرض درگذشت و به وصیتش نواحی تحت فرمانش میان پسرانش تقسیم شد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۵: ۴۴؛ فیض محمد، ۱۳۷۲: ۴۰/۱). بدین ترتیب سرزمین‌هایی که اندک زمانی پیش از آن تحت فرمان نادر بود، از حیطة اختیار افشاریه خارج شد و بسیاری از شهرها و نقاط آباد خراسان نیز که در مسیر لشکرکشی‌های نیروهای احمدشاه قرار داشتند، یا از اهداف او به‌شمار می‌رفتند، ویران شدند و فقر و تنگدستی که حاصل اوضاع بی‌سامان سیاسی و اقتصادی بود، بیشتر از پیش گریبان مردم را فشرد.

بحث و نتیجه‌گیری

پس از قتل نادر، سرزمین‌های تحت فرمان او دچار آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی بسیار شد و این فرصتی بود برای احمدشاه درانی تا به آن بخشی از خراسان که تحت فرمان آنان بود، تعرض کند. در این دوره خراسان نه تنها به لحاظ سیاسی و اقتصادی، بلکه به مثابه حائلی که میان مناطق تحت فرمان احمدشاه و کریم‌خان زند در شیراز قرار داشت، نیز حائز اهمیت بود.

کشاکش قدرت میان مدعیان، عدم اتحاد امرا و خوانین محلی خراسان، ناتوانی و عدم درایت کافی شاهرخ برای اداره امور و اختلاف‌های پایان‌ناپذیر او با پسرش نصرالله‌میرزا، که با دارا بودن ویژگی‌های شاخصی مانند شجاعت و نبوغ نظامی می‌توانست گزینه‌ای مناسب برای رهایی خاندان افشاریه از این مخمصه باشد، زمینه‌های لازم را برای لشکرکشی‌های سه‌گانه احمدشاه به مشهد و شهرها و نواحی مجاور آن فراهم کرد. احمدشاه گاه به بهانه زیارت حرم امام رضا (ع)، و زمانی دیگر به بهانه حمایت از شاهرخ، در کشاکش او با رقیبان، به خراسان لشکر می‌کشید. در این میان شاهرخ که توان مقابله با او را در خود نمی‌دید، تلاش کرد با سیاستی متفاوت و دوگانه با این مشکل برخورد کند. او نخست در قلعه مشهد پناه گرفت و موفق شد برای مدتی پایتخت خود را از

مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۴۴ش)، حواشی و توضیحات در *مجمل‌التواریخ* ابوالحسن گلستانه، تهران، کتابخانه ابن سینا.
 مرعشی، محمد هاشم بن محمد، *زبور آل داود* (۱۳۷۹ش)، با تصحیحات و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: میراث مکتوب.
 مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل (۱۳۶۲ش)، *مجمع‌التواریخ*، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه سنائی و طهوری.
 مستوفی تبریزی، محمدرضا رضی (۱۳۹۷ش)، *زینت‌التواریخ*، مصحح علی اصغر رجبی، تهران: آرمان پژوهان.
 نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق موسوی (۱۳۶۸ش)، *تاریخ گیتی‌گشا*، بی‌جا: اقبال.

نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸ش)، *نادرشاه و بازماندگانش*، تهران: زرین.
 هروی، نعمت‌الله (۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م)، *تاریخ خان‌جهانی و مخزن‌افغانی*، به کوشش سید محمد امام‌الدین، داکا: داکا سوسائتی.

عبدالرحیم و مولوی میرزا اشرف‌علی، کلکته: ایشیاتک سوسائتی بنگاله.
 شهشهانی، سیدحسین (۱۳۳۷ش)، "فرمان تاریخی احمدشاه درانی"، فرهنگ *ایران زمین*، تهران، جلد ۶.
 غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹ش)، *گلشن مراد*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین.
 فیض محمد هزاره (۱۳۷۲ش)، *سراج‌التواریخ*، تهران: مؤسسه تحقیقات و انتشارات بلخ.
 قزوینی، ابوالحسین (۱۳۶۷ش)، *فوائد‌الصفویه*، تصحیح مریم میراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 گلستانه، ابوالحسن (۱۳۴۴ش)، *مجمل‌التواریخ*، به کوشش مدرس رضوی، تهران: کتابخانه ابن سینا.
 محمد تقی خان حکیم (۱۳۶۶ش)، *گنج‌دانش* (جغرافیای تاریخی شهرهای ایران)، به کوشش محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر، تهران: زرین.